

تأثیر دانش ضمنی مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی: با تأکید بر رویکرد نظارتی کمیته حسابرسی

محسن خدادادی

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
Mkhodadadi@yahoo.com

علی اکبر نونهال نهر

استادیار گروه حسابداری، واحد بستان آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، بستان آباد، ایران (نویسنده مسئول)
Anonahal@gmail.com

سینا خردیار

استادیار گروه حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
kheradyar@iaurasht.ac.ir

مهدی مشکی میاوقی

دانشیار گروه مالی، دانشگاه پیام نور، رشت، ایران
Mhd.meshki@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۲۲

چکیده

دانش ضمنی، دانش شخصی و مهارت غیرقابل بیان هر فرد می باشد. این دانش به عنوان بدنه اصلی دانش سازمانی، نقش کلیدی در موفقیت سازمان‌ها داشته و همچنین محرکی مهم در فرایند خلاقیت و نوآوری است. انتظار بر این است که مدیران در سازمان‌ها هنگام اتخاذ تصمیمات مهم، تحت تأثیر دانش ضمنی خود قرار داشته و در صورتی که تحت نظارت قرار گیرند، رفتارهای فرصت طلبانه خود را کاهش دهند، لذا هدف این پژوهش ارزیابی تأثیر دانش ضمنی مدیرعامل بر اهتمام وی به مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی، و همچنین بررسی نقش نظارتی برخی ویژگی‌های کمیته حسابرسی در این رابطه می باشد. داده‌های پژوهش بر اساس نمونه‌ای متشکل از ۵۵۰ سال-شرکت طی سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ آزمون شده‌اند. جهت تحلیل داده‌های پژوهش از مدل رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دانش ضمنی مدیرعامل بر روی مدیریت سود شرکت مبتنی بر ارقام تعهدی تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ اما برخلاف انتظار، تخصص مالی و استقلال کمیته حسابرسی دارای تأثیر معنی‌دار بر رابطه بین دانش ضمنی مدیرعامل و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی نمی باشد.

واژه‌های کلیدی: دانش ضمنی مدیرعامل، کمیته حسابرسی، مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی.

۲-۱- دانش ضمنی و مدیریت سود

پولانی (۱۹۶۶) دانش را به دو دسته تقسیم‌بندی کرده است: دانش صریح^۱ و دانش ضمنی. دانش صریح یا دانش کدگذاری شده، بیان‌کننده دانشی است که در قالب زبان نظام‌مند و رسمی، قابل انتقال است. اما دانش ضمنی دانشی شخصی و مرتبط با روندی است که مختص شرایط بوده و به مرور زمان و از طریق تجربه، و نه الزاماً آموزش رسمی کسب می‌شود (پولانی، ۱۹۶۶). ژیزو و جیان^۲ (۲۰۱۲) معتقدند دانش ضمنی بنده اصلی دانش سازمانی است. دانش صریح می‌تواند نوک کوه یخ و دانش ضمنی در پایین‌ترین بخش یخ زده و پنهان این کوه یخ باشد. دانش ضمنی به عنوان فراهم‌کننده تغذیه برای ریشه‌های درختان می‌باشد، درختانی که میوه‌های آن دانش صریح است. هر دانش صریحی که از طریق زبان و هرگونه اشکال دیگر بیان شده‌باشد، وابسته به وجود دانش ضمنی بوده و باید توسط آن حمایت شود. تمام دانش انسانی یا دانش ضمنی است یا ریشه در دانش ضمنی دارد. طبق آمار دانش ضمنی ۹۰ درصد از کل دانش ضمنی سازمان و دانش صریح کمتر از ۱۰ درصد آن است. پولانی (۱۹۹۶) مفهوم دانش ضمنی را با ارائه‌ی مثال‌هایی ساده از زندگی روزمره معرفی کرده است. وی به توانایی انسان در شناسایی چهره‌های مختلف اشاره می‌کند، مهارتی که ما داریم اما نمی‌توانیم بگوییم چگونه آن را اعمال می‌کنیم؛ به بیان دیگر، ما یک چهره‌ی آشنا را از میان هزاران و میلیون‌ها چهره تشخیص می‌دهیم اما نمی‌توانیم بگوییم چگونه آن را تشخیص می‌دهیم. در مثالی دیگر، پولانی به مهارت دوچرخه سواری اشاره می‌کند. فرد نمی‌تواند با خواندن یک کتاب، دوچرخه سواری کند. این امر مستلزم کسب تجربه‌ی شخصی و تمرین برای فراگیری مهارت‌های مورد نیاز است. ما به طور دقیق نمی‌توانیم بگوییم چگونه دوچرخه‌سواری می‌کنیم، اما توانایی انجام آن را داریم. وی دانش چنین توانایی‌هایی را «دانش ضمنی» نامیده است (پولانی، ۱۹۶۶). تعاریف متعددی از دانش ضمنی مطرح شده است. دانش ضمنی مهمترین نوع دانش است که با زبان رسمی قابل بیان نیست؛ این نوع دانش جنبه فردی دارد و ریشه‌های آن در تجارب فرد نهفته است (نوناکا^۳، ۱۹۹۴). دانش ضمنی، دانش عملی است که از تجربه و کنش مستقیم توسعه می‌یابد و به شدت عملگرا و مختص به موقعیت بوده و به طور ناخودآگاه تحصیل گردیده و به کار می‌رود (مک آدام و ماسون و مک کروری^۴، ۲۰۰۷). دانش ضمنی، قابلیت کدگذاری و مفصل‌بندی ندارد و از این رو با دشواری منتقل می‌شود. این نوع دانش از طریق تسهیم تجربیات و مشاهده و تقلید کسب

مدیران معمولاً از طریق آزادی عمل خود بر روی سود گزارش شده اعمال مدیریت می‌کنند و به این ترتیب پاداش خود را افزایش می‌دهند. لذا می‌توان گفت مدیران به جهت بهره‌مندی از منافع شخصی، تمایل به انجام مدیریت سود دارند. شناسایی مدیریت سود برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی جهت ارزیابی عملکرد دوره جاری، پیش‌بینی سودآوری آتی و همچنین تعیین ارزش شرکت از اهمیت به‌سزایی برخوردار است (جانسن، رامناث و یون^۱، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی نیاز به اطلاعات قابل اتکا برای تصمیم‌گیری دارند. بنابراین برای اطمینان از اعتبار و شفافیت صورتهای مالی، راهبری شرکتی به عنوان مکانیزم نظارتی مورد توجه قرار گرفته است. کمیته حسابرسی به عنوان یکی از اجزای راهبری بنگاه، باعث افزایش اعتبار صورت‌های مالی می‌شود. یکی از نقش‌های کمیته حسابرسی، نقش نظارتی آن بر کیفیت سودهای گزارش شده و ممانعت از مدیریت سود است (ابوت، پارکر و پیترز^۲، ۲۰۰۴). اما پژوهش‌های گذشته این پرسش اساسی را بدون پاسخ گذاشته‌اند که مدیران شیوه‌های مدیریت سود را از چه طریقی فرا می‌گیرند و چگونه اقدامات خود را در مقابل رویکردهای نظارتی تعدیل می‌نمایند؟ آیا از طریق آموزش صورت گرفته در دانشگاه‌ها این مهارت بدست می‌آید و یا نوع رشته تحصیلی و یا ویژگی‌های شخصی در آن موثر است؟ نوآوری پژوهش حاضر در آن است که سعی نموده تا پاسخ‌هایی مناسب برای این سوالات فراهم کند. انتظار می‌رود که این رفتار راهبردی، بصورت ضمنی و با مرور زمان برای شخص حاصل شود، که در ادبیات مدیریتی به آن دانش ضمنی^۳ می‌گویند. نخستین بار، پولانی^۴ (۱۹۶۶) با تصریح به اینکه "ما بیش از آنچه می‌توانیم بگوییم، می‌دانیم" مفهوم دانش ضمنی را مطرح کرد. وی دانش ضمنی را جزء لاینفک دانش، و قدرت بنیادین ذهن معرفی می‌کند. ویژگی‌هایی که پولانی برای دانش ضمنی بر می‌شمرد عبارتند از عملی بودن، وابستگی به زمینه‌ی خاص خود، متمرکز بر چگونگی و دشوار برای کدگذاری، کمی شدن و انتقال به دیگران (مک آدام، ماسون و مک کروری^۵، ۲۰۰۷). در تحقیق حاضر به بررسی نقش دانش ضمنی در گرایش مدیران به رفتارهای مدیریت سود و بررسی تاثیر سطوح نظارتی کمیته حسابرسی بر این رابطه پرداخته شده است. این ویژگی‌ها شامل تخصص مالی و استقلال اعضای کمیته حسابرسی می‌باشد.

رویه‌های حسابداری عمده و کسب اطمینان معقول نسبت به رعایت استانداردهای حسابداری می‌باشد. علاوه بر آن در مورد حسابرسی مستقل و داخلی نیز، این کمیته وظیفه کسب اطمینان معقول از ارائه یافته‌ها و پیگیری اقدامات لازم و نتایج یافته‌های آنها را به عهده دارد. ارزش افزوده (مضاعف) حسابرسی متشکل از دو بعد است: بعد کنترلی و بعد اعتبار بخشی. از دیدگاه کنترلی به دو دلیل زیر، حسابرسی به عنوان عاملی مستقل بر کیفیت اطلاعات نظارت دارد:

عامل کشف کننده: بررسی مستقل میزان تطابق اطلاعات حسابداری با معیارهای از قبل تعیین شده که این معیارها قاعداً باید منعکس کننده نیاز و خواست استفاده کنندگان اطلاعات باشد.

عامل بازدارنده: ایجاد انگیزه برای تهیه‌کنندگان جهت تولید اطلاعات در چارچوب معیارهای از قبل تعیین شده، زیرا تهیه کننده می‌داند که مورد حسابرسی قرار خواهد گرفت (نیکوخواه آزاد، ۱۳۷۹، ص. ۲۴).

به عبارت دیگر همانطوری که فرایند حسابرسی دارای ارزش مضاعف بازدارندگی است، وجود کمیته حسابرسی که وظیفه نظارت بر موضوعات گزارشگری مالی، برآوردهای عمده و همچنین ارتباط موثر با حسابرسان را دارند، نیز دارای عامل بازدارندگی می‌باشند، لذا انتظار می‌رود اعمال فرایند نظارت، رفتار مدیریت سود را برای افراد دارای دانش ضمنی، محدودتر نماید. استدلال منطقی محدودتر شدن رفتار مدیریت سود افراد با دانش ضمنی در صورت وجود نظارت، این است که این افراد به مرور زمان این مساله را آموخته‌اند که در برابر ریسک شناسایی شدن (برملا شدن) رفتار خود حساس‌تر باشند (راسمن، بیگز و هاسکین^{۱۳}، ۲۰۱۲).

۲-۳- پیشینه پژوهش

چنین بنظر می‌رسد که تاکنون به مفهوم دانش ضمنی و بررسی نقش آن در عملکرد مدیران در حوزه حسابداری و حسابرسی در ایران پرداخته نشده است و عمده تحقیقات انجام شده نیز در حوزه مدیریت بوده است که به نمونه‌هایی از آن و همچنین سایر تحقیقات مرتبط در ذیل اشاره می‌کنیم.

قربانی زاده و خالقی نیا (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان "نقش انتقال دانش ضمنی در توانمندسازی کارکنان"، با استفاده از ابزار پرسشنامه به این نتیجه رسیدند که بین انتقال دانش ضمنی از یک سو و توانایی کارکنان در تصمیم‌گیری، پذیرش مسئولیت تصمیم‌گیری از سوی آنها، دسترسی افراد به ابزارهای مرتبط با تصمیم‌گیری و اجرا، و همچنین، پذیرش

می‌شود (فتحیان، بیگ و قوامی فر، ۱۳۸۴). علم یا دانش و سابقه شخصی از تجربه در یک کار تخصصی خاص نشأت می‌گیرند یعنی تجربه آشخور آن‌ها است (بونر^۹، ۲۰۰۸، ص. ۱۰۵). اگر چه از مدیریت ارشد به خصوص مدیرعامل انتظار می‌رود وظایف خود را بی‌طرفانه انجام دهد، اما میزان تجربه و نوع دانشی که دارند می‌تواند بر استراتژی شرکت تاثیرگذار باشد (همبریک و ماسون^{۱۰}، ۱۹۸۴). شرکت‌ها استراتژی‌های متفاوتی را برای مدیریت سود، بسته به محیط عملیاتی و روش‌های حسابداری خود اتخاذ می‌نمایند (ایمنی، رهنمای رودپشتی و بنی مهد، ۱۳۹۸). با توجه به اینکه تجربه و دانش قبلی مدیران، تصمیمات شرکت را تحت تاثیر قرار می‌دهد و از آنجایی که مدیران با سطح دانش مالی با استانداردها و تصمیم‌گیری‌های مالی و تکنیک‌های مختلف مدیریت سود و همچنین کیفیت افشا بیشتر آشنا هستند، لذا از توانایی بیشتری برای دستکاری و مدیریت سود برخوردار هستند (ملازاده، لاری و ساعی، ۱۳۹۵).

۲-۲- فرایند نظارت و مدیریت سود

تحقیقات قبلی نشان داده است که مدیریت سود از دو راه امکان پذیر است، مدیریت اقلام تعهدی و مدیریت فعالیت‌های واقعی. در مدیریت سود تعهدی رویه‌های حسابداری به کار گرفته شده مبتنی بر اصول پذیرفته شده حسابداری است ولی عملکرد اقتصادی واقعی مبهم نشان داده می‌شود و مدیریت سود واقعی زمانی رخ می‌دهد که مدیران اقدام به فعالیت‌هایی کنند که آنها را از بهترین عملکرد خارج کرده، تا بتوانند سودهای بیشتری گزارش کنند (نصیرزاده، اورادی و رجبعلی زاده، ۱۳۹۶). هرچه مکانیزم‌های نظارتی که در تصمیمات گزارشگری مالی به طور مستقیم دخیل هستند بیشتر و قوی‌تر باشند، مدیریت سود فرصت طلبانه کمتر اتفاق می‌افتد (دنولمان و احمد^{۱۱}، ۲۰۱۳). با توجه به امکان وجود مدیریت سود و تاثیر آن بر کیفیت گزارشگری مالی، وجود واحد نظارتی در شرکتها که سبب افزایش اطمینان بخشی نسبت به کیفیت گزارشگری مالی است، ضرورت می‌یابد (تاری وردی و قادری، ۱۳۹۶). کمیته حسابرسی به عنوان یکی از کمیته‌های تخصصی هیات‌مدیره نقش با اهمیتی در خصوص بهبود عملیات و حصول اطمینان از کیفیت گزارشگری مالی ایفا می‌کند (ژانگ، ژو و ژو^{۱۲}، ۲۰۰۷). براساس منشور کمیته حسابرسی سازمان بورس اوراق بهادار ایران، کمیته حسابرسی متشکل از سه تا پنج نفر از اعضای غیرموظف هیات‌مدیره و در خصوص گزارشگری مالی دارای وظیفه نظارت بر موضوعات با اهمیت گزارشگری مالی، قضاوت‌ها و برآوردهای عمده،

دانش ضمنی وابسته به عواملی مانند فرهنگ خودباوری، خوداتکایی و خلاقیت و برخورداری از آموزش کافی و مستمر در نظر گرفته شده است.

در پژوهش های خارجی، کوهن، پنت و شارپ (۲۰۰۱) نشان دادند که دانشجویان ورودی به دانشگاه از نظر میزان آگاهی از مسائل اخلاقی فرقی با دانشجویان فارغ التحصیلی نداشتند، هرچند افراد حرفه‌ای بخش حسابداری از هردوی این گروه‌ها در این زمینه مطلع‌تر بودند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تصمیم‌سازی اخلاقی هرچند همانند مدیریت سود نیست، اما بیشتر یک نوع یادگیری است که در حین خدمت و نه از طریق آموزش‌های رسمی اتفاق می‌افتد. راسمن، بیگز و هاسکین (۲۰۱۲) در تحقیقی به بررسی تاثیر دانش ضمنی بر رفتار مدیریت سود پرداخته و نشان دادند که مدیران با دانش ضمنی بیشتر در شرایط وجود حسابرسی، اقدام به کاهش مدیریت سود افزایشی می‌نمایند، در حالیکه برای مدیران با دانش ضمنی کمتر و همچنین افراد تازه کار این ویژگی مشاهده نشد. در این تحقیق برای اندازه‌گیری دانش ضمنی از تجربه قبلی افراد استفاده شده است. بول، مورس و پیچر (۲۰۱۲) نیز در تحقیقی با عنوان دانش ضمنی حسابرسی و توسعه سرمایه انسانی موسسات حسابرسی به این نتیجه رسیدند که حسابرسان با دانش ضمنی بالاتر به احتمال بیشتر به عنوان سرپرست توسط مدیران انتخاب می‌شوند و دانش ضمنی حسابرسان به طور موثری با قرار گرفتن آنها در تجربیات حرفه‌ای متنوع، ارتباط با مشتریان و اهمیت مسئولیت شغلی و اجتماعی شان مرتبط است و سرپرستان، بهتر می‌توانند دانش ضمنی حسابرسان زیرمجموعه را توسعه دهند و می‌توانند هنگام ارزیابی عملکرد سالانه برآورد بهتری از دانش ضمنی حسابرسان زیرمجموعه داشته باشند. جانا کراتکا (۲۰۱۵) در تحقیق تحت عنوان دانش ضمنی در داستان های معلمان باتجربه، به بررسی چگونگی به اشتراک گذاشتن دانش ضمنی توسط معلمان باتجربه از طریق روایت کردن می‌پردازد. یافته‌ها حاکی از این فرض اولیه است که دانش ضمنی شخصی است، که شامل احساسات و ارزش های داده شده فردی است و به اشتراک گذاشتن آنها، مسلماً بازخوردی به همراه دارد. ماهاجان (۲۰۱۷) در تحقیقی تحت عنوان دانش ضمنی برای توسعه سازمان‌ها به بررسی مفهوم دانش ضمنی، مزایا، معایب و کاربرد آن برای توسعه سازمان‌ها پرداخته است. بر اساس نظر وی همانطوری که دانش ضمنی همیشه در مغز مردم ذخیره می‌شود، به اشتراک گذاری دانش ضمنی دشوار، پیچیده، وقت گیر و یکی از بزرگترین چالش‌ها می‌باشد. در تحقیق به دو فرایند به اشتراک گذاری دانش ضمنی اشاره شده

مسئولیت پیامدهای تصمیم از سوی کارکنان از دیگر سو، رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. زمانی (۱۳۹۰) به بررسی وضعیت دانش ضمنی و تصریحی معلمان دوره راهنمایی، از نظریه های یادگیری در فرایند تدریس و تأثیر عوامل جمعیت شناختی بر آن، با استفاده از ابزار پرسش‌نامه نشان داد که میزان دانش تصریحی و ضمنی معلمان از نظریه های یادگیری در بعضی سؤالات نظریه‌ها پایین بود و بین دانش تصریحی و دانش ضمنی معلمان با متغیرهای مدرک تحصیلی، سابقه تدریس و جنسیت تفاوت معنادار وجود دارد. ملازاده، لاری و ساعی (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر مدیریت سود و تفاوت مدیریت سود در شرکت های دارای مدیرعامل با دانش مالی و سایر شرکتها پرداختند. نوع مدرک تحصیلی بعنوان معیاری جهت اندازه‌گیری دانش مالی مدیرعامل در نظر گرفته شده است. یافته‌های آنها نشان داد که دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود شرکت مبتنی بر رویدادهای واقعی و ارقام تعهدی اختیاری تأثیر ندارد و تفاوتی بین مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مبتنی بر رویدادهای واقعی در شرکت های با مدیرعامل دارای دانش مالی و سایر شرکتها وجود نداشت.

نصیرزاده، اورادی و رجبعلی زاده (۱۳۹۶) به بررسی تاثیر ویژگی های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی پرداختند. نتایج نشان داد که بین ویژگی تخصص مالی اعضا و مدیریت سود تعهدی رابطه منفی و معنادار و بین ویژگی تجربه کمیته حسابرسی و مدیریت سود تعهدی رابطه مثبت و معنی دار در بازه ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ وجود دارد. همچنین تاری وردی و قادری (۱۳۹۶) به بررسی تاثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر نگرش کوتاه مدت مدیران پرداختند. نتایج آنها حاکی از عدم تاثیر تخصص مالی بر مدیریت سود تعهدی و همچنین تاثیر منفی بر مدیریت سود از طریق دستکاری در فروش و کاهش مخارج اختیاری در سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ می‌باشد. جلاوندی (۱۳۹۷) در تحقیقی تحت عنوان تبیین مفهومی نقش دانش ضمنی در عصر اقتصاد دانش بنیان، تبیین نقش این دانش و تاثیر آن در عصر جدید اقتصادی را امری ضروری دانسته است. روش تحقیق وی تحلیلی توصیفی می‌باشد. در این تحقیق دودیدگاه انتقال دانش ضمنی تحت عنوان مکانیسم تعاملی و مکانیسم تبدیلی مورد بررسی قرار گرفته است. دیدگاه تعاملی بر اهمیت تعامل، ارتباطات اجتماعی و روابط نزدیک برای انتقال دانش ضمنی تاکید داشته و دیدگاه تبدیلی نیز انتقال کارآمد را منوط به تبدیل آن به دانش آشکار می‌داند. در نتیجه گیری نهایی تحقیق نیز میزان موفقیت های علمی نیروی کار در تولید

۳- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و مدل های اقتصادسنجی صورت گرفته است. از لحاظ روش اجرا در زمره پژوهش های همبستگی می باشد. علاوه بر آن، پژوهش حاضر درصدد بررسی علت یا علل معینی است که در گذشته رویداده و یا به اتمام رسیده است، لذا از نوع پژوهش پس رویدادی (تجربی) می باشد. فرضیه های پژوهش بر اساس داده های تلفیقی/ ترکیبی آزمون و تحلیل های آماری به کمک نرم افزار Eviews9 انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره تحقیق نیز سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ می باشند که شرایط زیر را دارا باشد:

- ۱) تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
 - ۲) شرکت ها نایستی سال مالی خود را در طی دوره های مورد نظر تغییر داده باشند.
 - ۳) اطلاعات مالی مورد نیاز برای انجام پژوهش را در دوره زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶ به طور کامل ارائه کرده باشند.
 - ۴) جزء شرکت های سرمایه گذاری، بانک ها و واسطه گری مالی نباشند.
- پس از اعمال محدودیت های بالا تعداد ۱۱۰ شرکت انتخاب شد. به دلیل اینکه کمیته حسابرسی نقش نظارتی دارد و از سال ۱۳۹۱ لازم الاجرا شده است لذا شروع دوره تحقیق نیز با توجه به هدف تحقیق و نیاز به بررسی شرکت های دارای کمیته حسابرسی، ابتدای سال ۱۳۹۲ در نظر گرفته شده است.

۴- مدل پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده برای آزمون فرضیه های پژوهش از مدل زیر استفاده شده است.

مدل (۱)

$$EM_{it} = \beta_0 + \beta_1 TK_{it} + \beta_2 AC - FEX_{it} + \beta_3 AC - FEX_{it} \times TK_{it} + \beta_4 AC - IND_{it} + \beta_5 AC - IND_{it} \times TK_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 AC - SIZE_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \beta_9 AO_{it} + \beta_{10} AQ_{it} + \varepsilon_{it}$$

M : مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی

TK : دانش ضمنی مدیر عامل

AC_FEX_{it} : تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی

$AC - FEX \times TK$: اثر تعاملی تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر رابطه دانش ضمنی و مدیریت سود تعهدی

است. اول، به طور مستقیم از طریق ارتباطات شخصی با دیگر کارکنان و دوم، به طور غیر مستقیم از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات مانند ایمیل، پایگاه داده ها، ویدئو کنفرانس ها، کنفرانس های تلویزیونی. در پایان بر لزوم آگاهی سازمان ها از اهمیت دانش ضمنی کارمند برای توسعه سازمان، تاکید شده است. سانچز و همکاران (۲۰۱۸) با عنوان تحصیل و انتقال دانش ضمنی بازاریابی در هتل های کوچک و متوسط به بررسی تاثیر ظرفیت جذب، فرهنگ باز، همکاری و اعتماد بین همکاران و ارتباطات رسانه ای در دستیابی به دانش ضمنی بازاریابی و انتقال آن پرداختند. آنها نتیجه تحقیق خود را با استفاده از روش معادلات ساختاری و بر اساس نمونه ای متشکل از ۲۲۹ کارمند انجام داده و نشان دادند، اعتماد به همکاران و ارتباطات رسانه ای تاثیر مستقیم بر کسب دانش ضمنی بازاریابی و در نتیجه بر انتقال آن دارد. به طور کلی می توان گفت که به اشتراک گذاشتن تجربه و دانش شخصی از طریق داستان، فرصت هایی را برای انعکاس تجربه شخصی ایجاد می کند. همان گونه که تشریح شد پژوهش حاضر درصدد تبیین تأثیر دانش ضمنی مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و با توجه به رویکرد نظارتی کمیته حسابرسی است. به نظر می رسد از آنجا که مدیرعامل دارای دانش ضمنی، در تصمیم گیری ها نقش مستقیم و نهایی ایفا می کند، توانایی بیشتری برای مدیریت سود داشته باشد. همچنین انتظار داریم در صورت وجود ویژگی های نظارتی کمیته حسابرسی از جمله تخصص مالی و استقلال اعضای این کمیته، تأثیر دانش ضمنی و مدیریت سود تحت تاثیر قرار گرفته و باعث کاهش آن گردد. به عبارت دیگر، مدیران دارای دانش ضمنی به خوبی درک می کنند که در صورت وجود کمیته حسابرسی به عنوان یک اهرم نظارتی، بایستی به منافع بلندمدت شرکت و افزایش ثروت سهامداران بیشتر از منافع شخصی خودشان بپردازند؛ لذا از رفتارهایی که منجر به مدیریت سود و صرفاً از طریق تغییر در روشهای حسابداری و غیر موثر بر نقدینگی می شود پرهیز نمایند. بدین ترتیب، فرضیه های این پژوهش بصورت زیر صورت بندی می شود:

- فرضیه ۱. دانش ضمنی مدیرعامل بر مدیریت سود شرکت بر اساس اقلام تعهدی اختیاری موثر است.
- فرضیه ۲. تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر رابطه دانش ضمنی مدیرعامل و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی موثر است.
- فرضیه ۳. استقلال اعضای کمیته حسابرسی بر رابطه دانش ضمنی مدیرعامل و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی موثر است.

$AC - IND_{it}$: استقلال اعضای کمیته حسابرسی
 $AC - IND \times TK$: اثر تعاملی استقلال اعضای کمیته
 حسابرسی بر رابطه دانش ضمنی و مدیریت سود تعهدی
 $SIZE_{it}$: اندازه شرکت
 AC_SIZE_{it} : اندازه کمیته حسابرسی
 ROA_{it} : سودآوری
 AQ_{it} : کیفیت حسابرسی
 AO_{it} : نوع گزارش حسابرسی

۴-۱- متغیرهای پژوهش

الف) متغیر مستقل:

متغیر مستقل تحقیق حاضر شامل دانش ضمنی مدیرعامل می‌باشد که تقریباً برای نخستین بار در ادبیات حسابداری کشورمان معرفی می‌گردد و انتظار بر این است تا بتواند شواهد و نتایج تجربی مناسبی را برای تبیین رفتارهای فرصت طلبانه مدیران عامل شرکتها در ارتباط با مدیریت سود در آنها فراهم نماید.

دانش ضمنی مدیرعامل: در این تحقیق به پیروی از مبانی نظری و تحقیقات انجام شده، متغیرهای زیر برای اندازه گیری دانش ضمنی در نظر گرفته شده است.

نوناکا (۱۹۹۴) دانش ضمنی را به دو بعد فنی و ذهنی تقسیم می‌کند. بعد فنی دانش ضمنی شامل حرفه ها، مهارت های غیر متعارف و نا ملموس و فنون عینی می‌شود. در حالی که بعد ذهنی که درونی نیز خوانده می‌شود مواردی چون الگوهای ذهنی، طرح ها، نمونه ها، زوایا، عقاید، باورها، نگرش ها و تصورات باطنی را در بر می‌گیرد که فرد درباره‌ی آن ها هیچ تردیدی ندارد.

بعد فنی دانش ضمنی:

برای اندازه گیری بعد فنی دانش ضمنی از متغیرهای تجربه تخصصی مستقیم، تجربه تخصصی غیر مستقیم و نوع مدرک تحصیلی استفاده شده است. تجربه به دو طریق مستقیم و غیرمستقیم کسب می‌شود (ینگ، الریچ، ناسون و گلینو^{۱۶}، ۱۹۹۹). تجربه مستقیم از طریق درگیری مستقیم فرد یا سازمان با کار و فعالیت خاص ایجاد می‌شود. در حالی که تجربه غیر مستقیم تجربه ای است که به طور غیر مستقیم برای فرد یا سازمان حاصل می‌شود. به عبارت دیگر این نوع تجربه از طریق فرد یا سازمان ثالثی به دیگران منتقل می‌شود (مک گرگور و دبلستین^{۱۷}، ۱۹۹۶). تجربه و تخصص دو واژه مرتبط به یکدیگر می‌باشد. متخصص به کسانی اطلاق می‌شود که در زمینه ای خاص، از دانش عمیق برخوردارند و نیز، با تمرین و تجربه ای که در مقاطع و

شرایطی خاص آموخته اند، در عمل آزموده و به روز شده اند (داونپورت و پروساک^{۱۸}، ۱۹۹۸). در مجموع می‌توان نتیجه گیری کرد که تجربه تخصصی سازمانی از نوع دانش ضمنی محسوب می‌شود (نامداریان، ۱۳۹۵)، لذا تجربه تخصصی یکی از عوامل تشکیل دهنده دانش ضمنی است که با یافته های استرنبرگ، هدلاند، همچنین پولانی همخوانی دارد که بیان می‌دارند شواهد تحقیقاتی تا امروز عموماً از این ادعا حمایت کرده اند که دانش ضمنی با تجربه در ارتباط است (استرنبرگ و هدلاند^{۱۹}، ۲۰۰۲). دانش ضمنی دانشی است که به مرور زمان و از طریق تجربه و نه آموزش رسمی کسب می‌شود (پولانی، ۱۹۹۶). در این تحقیق برای اندازه گیری تجربه تخصصی مستقیم مدیرعامل، از سابقه اجرایی قبلی به عنوان مدیرعامل یا عضو هیات مدیره در همان سازمان و برای اندازه گیری تجربه تخصصی غیر مستقیم مدیرعامل نیز از سابقه اجرایی قبلی به عنوان مدیرعامل یا عضو هیات مدیره در سازمان های دیگر با موضوع فعالیت مشابه (سابقه اجرایی در همان صنعت) استفاده شده است. همچنین با توجه به در نظر گرفتن نقش کمیته حسابرسی در مدل نهایی تحقیق و الزام شرکتها به تشکیل این کمیته براساس مصوبه بورس اوراق بهادار از سال ۱۳۹۱، لذا مدیران عامل دارای ۵ سال سابقه اجرایی (از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶) به عنوان یکی از معیارهای اندازه گیری وجود دانش ضمنی برای مدیرعامل در نظر گرفته شده است.

تجلی دانش ضمنی هنگامی است که فرد به زمینه خاصی از دانش مسلط شده باشد، یا مهارت هایی را که به تدریج استادان زبده توسعه داده‌اند به کار برد (اشتریان و امامی، ۱۳۸۹، ص. ۲۰). با توجه به اینکه دانش ضمنی در بستری از دانش اولیه شکل گرفته و سپس با مهارت های ثانویه، توسعه می‌یابد، می‌توان نتیجه گرفت که دانش ابتدایی و اولیه شخص از موضوعی خاص، عموماً از طریق تحصیلات دانشگاهی و کسب علم صورت می‌گیرد. لذا در این تحقیق برای اندازه‌گیری یکی دیگر از اجزای تشکیل دهنده دانش ضمنی از مدرک تحصیلی مدیرعامل در رشته های مرتبط مالی مانند حسابداری، مدیریت و اقتصاد استفاده شده است.

بعد ذهنی دانش ضمنی:

طبق نظر نوناکا (۱۹۹۴) بعد ذهنی دانش ضمنی، تصورات فرد از واقعیت و نگرش او نسبت به آینده را منعکس می‌کند. وی عنوان می‌کند هر چند این دانش به آسانی قابل بیان نیست، دیدگاه افراد نسبت به جهان پیرامون را شکل می‌دهد و عامل مهمی در خلق دانش نوین به شمار می‌رود. دانش ضمنی به مثابه ریشه و اساس دانش سازمانی و انسانی و منبع مهم راهبردی سازمان ارزیابی شده و

بر اهمیت آن به عنوان مزیت رقابتی سازمان تأکید شده است. از آنجا که دانش ضمنی معمولاً قسمتی از فرایندهای یادگیری بلندمدت در یک بافت ویژه است که در ساختار تفکر جای دارد، به ارتباط آن با یادگیری، نوآوری و توسعه محصول توجه شده است (مشبکی و زراعی، ۱۳۸۲). در این باره باید توجه داشت که نوآوری از ایده و آرمان برمی خیزد. در واقع، عامل اصلی در تقویت نوآوری و خلق دانش نوین نیل، به آرمان و تحقق ایده خاصی است که ریشه در دانش ضمنی دارد (نوناکا و تاکوچی^{۲۰}، ۱۹۹۵، ص. ۱۱۲). قابلیت نوآوری شرکت ها عمدتاً توسط دانش ضمنی شکوفا شده و نتیجه انباشت دانش ضمنی است. در نوآوری های فناوری سازمانی، دانش ضمنی هسته و محتوای اصلی کاربرد دانش است و موفقیت نوآوری های فناوری سازمانی نیز بستگی به دانش ضمنی دارد (ژبزو و جیان، ۲۰۱۲). با توجه به مبانی نظری مطرح شده، یعنی ارتباط دانش ضمنی مدیران و خلق دانش نوین در سازمان ها و

ارتباط آن در ایجاد نوآوری و توسعه محصول و همچنین نظرخواهی از کارشناسان و صاحبان نظر، در این تحقیق برای اندازه گیری بعد ذهنی دانش ضمنی، راه اندازی و یا انجام هزینه در بخش تحقیق و توسعه محصولات، ایجاد شرکت های دانش بنیان و موارد مشابه که به خلق ارزش در سازمان کمک نماید، به عنوان جزء تشکیل دهنده بعد فنی دانش ضمنی در نظر گرفته شده است. به طور خلاصه معیارهای لازم برای اندازه گیری و کمی کردن متغیر دانش ضمنی، در جدول شماره ۱ ارائه شده است. در صورت وجود این سه ویژگی که شامل تجربه (تجربه تخصصی مستقیم یا غیرمستقیم به مدت پنج سال)، مدرک تحصیلی (در رشته های حسابداری، مدیریت، اقتصاد) و راه اندازی و انجام هزینه در بخش تحقیق و توسعه محصولات، ایجاد شرکت های دانش بنیان و موارد مشابه) عدد یک و در غیر اینصورت صفر لحاظ شده است.

جدول ۱- ابعاد و روش های اندازه گیری دانش ضمنی مدیر عامل

متغیر	ابعاد	اجزاء	معیار اندازه گیری
دانش ضمنی	بعد فنی	تجربه تخصصی مستقیم	سابقه اجرایی قبلی به عنوان مدیرعامل و یا عضو هیات مدیره در همان شرکت به مدت ۵ سال
		تجربه تخصصی غیر مستقیم	سابقه اجرایی قبلی به عنوان مدیرعامل و یا عضو هیات مدیره در شرکتهای با موضوع فعالیت یکسان به مدت ۵ سال (همان صنعت)
		نوع مدرک تحصیلی	رشته های حسابداری، مدیریت و اقتصاد
دانش ضمنی	بعد ذهنی	نگرش فرد نسبت به آینده	راه اندازی یا انجام هزینه در بخش تحقیق و توسعه محصولات و یا ایجاد شرکتهای دانش بنیان
		عامل مهم در خلق ارزش نوین	
		ارتباط با نوآوری و توسعه محصول	

ب) متغیر تعدیل گر:

در این تحقیق، وجود رویکردهای نظارت بر مدیران به عنوان متغیر تعدیل گر از طریق برخی از ویژگی های کمیته حسابرسی در نظر گرفته می شود که شامل: AC_FEX_{it} (تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی): درصد اعضای دارای تخصص مالی در کمیته حسابرسی. $AC - IND_{it}$ (استقلال اعضای کمیته حسابرسی): درصد اعضای مستقل در کمیته حسابرسی.

ج) متغیر وابسته:

متغیر وابسته در این پژوهش، میزان مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی است که به منظور اندازه گیری آن از مدل تعدیل شده جونز (ارائه شده توسط دچو، اسلون و سونی^{۲۱}، ۱۹۹۵) استفاده شده است (جیانگ، ژو و هوآنگ^{۲۲}، ۲۰۱۳):

مدل (۲)

$$TAC_{it}/TA_{it-1} = a_0(1/TA_{it-1}) + a_1(\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it})/TA_{it-1} + a_2(PPE_{it}/TA_{it-1}) + e_{it}$$

برابر یک فرض می شود، و در غیر این صورت صفر لحاظ می-گردد.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- بررسی مانایی متغیرهای پژوهش

نتایج مانایی متغیرها در جدول ۲ ارائه شده است. لازم به ذکر است انجام آزمون مانایی برای متغیرهای مجازی نامفهوم است لذا از ذکر آنها خودداری شده است. برای مانایی از آزمون لوین، لین و چپو استفاده شده و چون مقدار P-Value کمتر از ۵ درصد بوده است لذا کلیه متغیرها طی دوره پژوهش مانا می‌باشند.

جدول ۲. آزمون مانایی متغیرها طی دوره پژوهش

متغیر	مقدار آماره لوین، لین و چپو	احتمال آماره لوین، لین و چپو
مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی	-۲۹/۸۹۸۹	۰/۰۰۰۰
تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی	-۳/۴۹۴۴۰	۰/۰۰۰۲
تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی * دانش ضمنی	-۳/۵۲۷۷۷	۰/۰۰۰۲
استقلال اعضای کمیته حسابرسی	-۱/۶۶۷۳۲	۰/۰۴۷۷
استقلال اعضای کمیته حسابرسی * دانش ضمنی	-۳/۳۲۰۴۴	۰/۰۰۰۴
اندازه شرکت	-۲۳/۶۶۱۶	۰/۰۰۰۰
اندازه کمیته حسابرسی	-۱/۶۶۷۳۲	۰/۰۴۷۷
سودآوری	-۲۷/۸۳۲۵	۰/۰۰۰۰

۵-۲- آمار توصیفی

پیش از آزمون فرضیه در هر پژوهشی لازم است آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد بررسی محاسبه و تحلیل شوند. جدول شماره ۳ آمار توصیفی مربوط به متغیرهای این پژوهش را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار میانگین برای متغیر مدیریت سود بر مبنای ارقام تعهدی ۰/۰۱۱ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. تفاوت کوچکترین عدد ارقام مدیریت سود و بزرگترین عدد نشان دهنده این است که با استفاده از ارقام مدیریت سود، امکان دستکاری و هموارسازی سود وجود دارد (بیشینه ۲/۶۴۵

TAC_{it} = جمع ارقام تعهدی (سود عملیاتی منهای جریان های نقدی عملیاتی) سال t برای شرکت تحت مطالعه i

TA_{it-1} = جمع دارایی‌ها در سال $t-1$ برای شرکت تحت مطالعه i

ΔREV_{it} = تغییرات در کل درآمد فروش طی سال $t-1$ تا t برای شرکت تحت مطالعه i

ΔREC_{it} = تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتی طی سال‌های $t-1$ تا t برای شرکت تحت مطالعه i

PPE_{it} = مبلغ ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

e_{it} = مجموع خطای رگرسیون

سپس این ضرایب برآوردی حاصل از رگرسیون‌های شرکت‌های تحت مطالعه در هر سال، برای برآورد میزان ارقام تعهدی مدیریت شده (اختیاری) برای هر شرکت نمونه از طریق کسر نمودن ارقام تعهدی مدیریت نشده از جمع ارقام تعهدی از طریق رابطه ۱ بدست می‌آید.

$$DAC_{it} = TAC_{it}/TA_{it-1} - a_0 - a_1(\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it})/TA_{it-1} - a_2(PPE_{it}/TA_{it-1})$$

DAT_{it} اجزای مدیریت شده ارقام تعهدی شرکت تحت مطالعه i در سال t که معادل جمع ارقام تعهدی اختیاری است و نشانگر میزان مدیریت سود براساس ارقام تعهدی است. به عبارت دیگر باقیمانده (خطای) مدل (۲)، به عنوان متغیر وابسته و به منظور برآورد ارقام تعهدی اختیاری در مدل اصلی استفاده می‌شود.

(د) متغیرهای کنترلی:

متغیرهای کنترلی استفاده شده در تحقیق به پیروی از جیانگ، ژو و هوآنگ (۲۰۱۳) به عنوان سایر عوامل تاثیرگذار بر مدیریت سود عبارتند از:

$SIZE_{it}$ (اندازه شرکت): از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها در سال، برای شرکت محاسبه می‌شود.

AC_SIZE_{it} (اندازه کمیته حسابرسی): تعداد اعضای کمیته حسابرسی که در ایران، شامل ۳ الی ۵ نفر می‌باشد.

ROA_{it} (سودآوری): از بازده دارایی‌ها (تقسیم سود خالص بر کل دارایی‌ها) استفاده می‌گردد.

AQ_{it} (کیفیت حسابرسی): یک متغیر مجازی (دو وجهی) است که اگر حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی باشد برابر یک فرض می‌شود، و در غیر این صورت صفر لحاظ می‌گردد.

AO_{it} (نوع گزارش حسابرس): این متغیر نیز یک متغیر مجازی (دو وجهی) است که اگر گزارش حسابرس شرکت، مقبول باشد

و کمینه ۰/۷۰۵-). همچنین نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که در ۰/۵۵ سال-شرکت های مورد بررسی یعنی ۳۰۳ سال- شرکت (۳۳۰=۵۵*۰/۵۵) طی دوره مورد پژوهش، مدیرعامل از دانش ضمنی برخوردار بوده است. علاوه بر آن نتایج آمار توصیفی بیانگر این موضوع است که اعضای دارای تخصص مالی در کمینه حساسی برابر با ۰/۸۹۶ می باشد که نشان دهنده حضور درصد بالایی از افراد دارای تخصص مالی در شرکت های مورد بررسی می باشد. همچنین متغیر استقلال کمینه حساسی با میانگین ۰/۷۲۸ حاکی از استقلال اکثریت اعضاء است. در ادامه نتایج نشان داد که میانگین اندازه شرکت و سودآوری به ترتیب ۱۴/۴۸۷ و ۰/۱۴ و میانگین اندازه کمینه

حساسی ۳/۱۰۵ می باشد که نشان دهنده تعداد اعضای این کمینه است. نتایج آمار توصیفی بیان می‌دارد که ۰/۲۶۱ سال- شرکت های مورد بررسی یعنی ۱۴۴ سال-شرکت (۱۴۴=۵۵*۰/۲۶۱) طی دوره مورد پژوهش توسط سازمان حساسی مورد حساسی قرار گرفته‌اند. همچنین در ۰/۵۲۵ سال-شرکت‌های مورد بررسی یعنی ۲۸۹ سال-شرکت (۲۸۹=۵۵*۰/۵۲۵)، گزارش حساسی مقبول بوده است. علاوه بر آن نتایج آزمون جارک- برا حاکی از نرمال بودن متغیر وابسته تحقیق طی دوره مورد بررسی می باشد (آماره جارک برا ۲/۸۹۵، احتمال جارک- برا ۰/۳۳۹).

جدول ۳- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	علائم اختصاری متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی	EM	۵۵۰	۰/۰۱۱	۰/۰۲۳	۲/۶۴۵	-۲/۷۰۵	۰/۹۹۱
دانش ضمنی	TK	۵۵۰	۰/۵۵	۱	۱	۰	۰/۴۹۷
تخصص مالی اعضای کمینه حساسی	AC_FEX	۵۵۰	۰/۸۹۶	۱	۱	۰/۳۳۳	۰/۱۷۲
تخصص مالی اعضای کمینه حساسی * دانش ضمنی	AC_FEX * TK	۵۵۰	۰/۴۹۹	۰/۶۶۶	۱	۰	۰/۴۶۶
استقلال اعضای کمینه حساسی	AC_IND	۵۵۰	۰/۷۲۸	۰/۶۶۶	۱	۰	۰/۱۶۵
استقلال اعضای کمینه حساسی * دانش ضمنی	AC_IND * TK	۵۵۰	۰/۳۹۲	۰/۶۶۶	۱	۰	۰/۳۷۵
اندازه شرکت	SIZE	۵۵۰	۱۴/۴۸۷	۱۴/۲۰۶	۱۹/۱۴۹	۱۱/۴۹۶	۱/۳۹۹
اندازه کمینه حساسی	AC_SIZE	۵۵۰	۳/۱۰۵	۳	۵	۳	۰/۴۴۷
سودآوری	ROA	۵۵۰	۰/۱۲۱	۰/۱۲۲	۰/۶۳۱	-۰/۲۸۹	۰/۱۳۷
نوع گزارش	AO	۵۵۰	۰/۵۲۵	۱	۱	۰	۰/۴۹۹
کیفیت حساسی	AQ	۵۵۰	۰/۲۶۱	۰	۱	۰	۰/۴۴

۵-۳- آزمون فرضیه های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌ها و برازش مدل رگرسیونی، گام اول تصمیم‌گیری در خصوص استفاده از مدل اثرات مقید (پولد) در مقابل اثرات غیر مقید (پنل) می‌باشد. برای تشخیص ساختار مناسب در این پژوهش از آزمون چاو (F لیمر) استفاده شده است. با توجه به نتیجه آزمون، مقدار احتمال آماره F لیمر کمتر از سطح معنی داری ۰/۵ بوده، بنابراین با توجه به رد فرض صفر، الگوی مناسب استفاده از ساختار غیرمقید می باشد. پس از انتخاب ساختار داده‌های غیرمقید، گام بعدی انتخاب مدل اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی از طریق

آزمون هاسمن است. نتیجه آزمون F لیمر و هاسمن به شرح جدول ۴ می باشد.

جدول ۴- آزمون چاو (F لیمر) و هاسمن

نوع آزمون	مقدار آماره آزمون	درجه آزادی	احتمال آماره آزمون	نتیجه آزمون
F لیمر	۳/۱۴	(۴۳۰، ۱۰۹)	۰/۰۰۰۰	ساختار غیر مقید
هاسمن	۱۳/۸۴	۱۰	۰/۱۸۰۲	اثرات تصادفی

چون مقدار احتمال آماره هاسمن بیشتر از سطح معنی داری ۵ درصد است، لذا با عدم رد فرض صفر، مدل اثرات تصادفی گزینه ی مناسبی برای برآورد مدل می باشد.

جدول ۵- نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

متغیر	علائم اختصاری متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
مقدار ثابت		-۱/۱۹	۰/۶۷	-۱/۷۷	۰/۰۷
دانش ضمنی	TK	۰/۸۰	۰/۴۰	۲/۰۰	۰/۰۴
تخصیص مالی اعضای کمیته حسابرسی	AC_FEX	۰/۱۸	۰/۰۹	۱/۸۴	۰/۰۶
تخصیص مالی اعضای کمیته حسابرسی * دانش ضمنی	AC_FEX * TK	-۰/۲۱	۰/۱۲	-۱/۷۷	۰/۰۷
استقلال اعضای کمیته حسابرسی	AC_IND	۰/۱۶	۰/۱۲	۱/۳۳	۰/۱۸
استقلال اعضای کمیته حسابرسی * دانش ضمنی	AC_IND * TK	-۰/۰۷	۰/۱۳	-۰/۵۵	۰/۵۷
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۶	۰/۰۴	۱/۵۴	۰/۱۲
اندازه کمیته حسابرسی	AC_SIZE	-۰/۳۸	۰/۱۵	-۲/۳۸	۰/۰۱
سودآوری	ROA	۲/۹۵	۰/۳۳	۸/۸۵	۰/۰۰
نوع گزارش	AO	۰/۱۵	۰/۰۸	۱/۶۹	۰/۰۹
کیفیت حسابرسی	AQ	۰/۱۸	۰/۱۲	۱/۴۶	۰/۱۴
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F و سطح معنی داری	آماره دوربین واتسون		
۰/۱۶۲	۰/۱۴۷	۱۰/۴۸۱ ۰/۰۰۰	۱/۸۱		

از خطای ۰/۰۵ است، در نتیجه این فرضیه مورد تایید قرار می گیرد. همچنین نتایج بررسی فرضیه دوم و سوم نشان می دهد که تخصیص مالی و استقلال اعضای کمیته حسابرسی تاثیر معنی داری بر رابطه دانش ضمنی مدیرعامل و مدیریت سود تعهدی ندارد، لذا فرضیه دوم و سوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود (سطح معنی داری به ترتیب ۰/۰۷ و ۰/۵۷). نتایج همچنین نشان می دهد که تاثیر سودآوری بر مدیریت سود تعهدی مثبت و معنی دار و تاثیر اندازه کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تعهدی منفی و معنی دار می باشد. این موضوع نشان می دهد شرکت های دارای سودآوری بیشتر اقدام به مدیریت سود تعهدی نموده اند. علاوه بر آن، نتایج نشان دهنده این موضوع است که افزایش اندازه کمیته حسابرسی در شرکت ها منجر به کاهش مدیریت سود تعهدی شده است. ضمناً ارتباط معنی داری بین دیگر متغیرها با مدیریت سود تعهدی مشاهده نمی گردد.

پس از مشخص شدن نوع آزمون، خروجی ها و نتایج فرضیه ها در جدول شماره ۵ ارائه شده است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده حاکی از آن است که در دوره پژوهش حدود ۱۴/۷ درصد از تغییرات مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی در سطح کل شرکت ها، تحت تاثیر دانش ضمنی مدیرعامل و همچنین متغیرهای تعدیل گر و کنترلی به ویژه اندازه کمیته حسابرسی و سودآوری بوده است. لازم به ذکر است که اگر متغیر وابسته، درصد یا نسبت های کوچک باشد (مانند مدیریت سود)، در آن صورت مقدار ضریب تعیین نیز عدد کوچکی حاصل خواهد شد (بنی مهد، عربی و حسن پور، ۱۳۹۵، ص ۱۴۴). نتایج مربوط به آماره F و سطح معنی داری آن (۱۰/۴۸۱ و ۰/۰۰۰) نیز نشان می دهد که مدل در حالت کلی معنی دار بوده و با توجه به آماره دوربین واتسون (۱/۸۱)، همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. هدف از تدوین فرضیه اول، بررسی ارتباط بین دانش ضمنی مدیرعامل و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی می باشد که با توجه به نتایج بدست آمده، ضریب متغیر دانش ضمنی مدیرعامل برابر با ۰/۸ است. با توجه به سطح خطای آن که برابر با ۰/۰۴ و کمتر

۶- نتیجه‌گیری و بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر دانش ضمنی مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و همچنین بررسی نقش نظارت از طریق ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر این رابطه می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که دانش ضمنی مدیرعامل بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. به عبارت دیگر مدیران دارای دانش ضمنی، در جهت بهره‌مندی از منافع شخصی یا سازمانی، اقدام به مدیریت سود تعهدی نموده‌اند. نتایج همچنین حاکی از این است که تخصص مالی و استقلال اعضای کمیته حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای تأثیر منفی بر رابطه دانش ضمنی و مدیریت سود تعهدی نمی‌باشد. با توجه به اینکه مکانیسم‌های نظارتی سبب شفافیت و بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌گردد، لذا یکی از دلایل دست یافتن به نتایج فرضیه دوم و سوم را می‌توان نوپا بودن کمیته حسابرسی و سپری شدن مدت کوتاهی از الزامات وجود کمیته حسابرسی و همچنین ضعف محیط کنترلی در شرکت‌های ایرانی دانست. نتایج همچنین نشان می‌دهد که تأثیر سودآوری بر مدیریت سود تعهدی مثبت و معنی‌دار و تأثیر اندازه کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تعهدی منفی و معنی‌دار می‌باشد. در رابطه با تأثیر مثبت و معنی‌دار دانش ضمنی بر مدیریت سود تعهدی، نتایج از لحاظ مبانی نظری با تحقیق راسمن، بیگز و هاسکین (۲۰۱۲) موافق می‌باشد. آنها نشان داده‌اند که دانش ضمنی بر رفتار مدیریت سود تأثیرگذار است. در رابطه با عدم تأثیر معنی‌دار تخصص مالی و استقلال اعضای کمیته حسابرسی بر رابطه دانش ضمنی و مدیریت سود، نتایج تحقیق حاضر مغایر با تحقیق راسمن، بیگز و هاسکین (۲۰۱۲) می‌باشد. راسمن و بیگز و هاسکین در تحقیق خود از متغیر حسابرس داخلی به عنوان رکن نظارتی استفاده کردند که دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر برابره دانش ضمنی و مدیریت سود بود. نتایج در خصوص تأثیر مثبت سودآوری بر مدیریت سود تعهدی موافق با نتایج تحقیق ملازاده، لاری و ساعی (۱۳۹۵) و مغایر با نتایج تحقیق یون و میلر^{۲۳} (۲۰۰۲) است. در رابطه با تأثیر منفی و معنی‌دار اندازه کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تعهدی نیز موافق با نتایج تحقیق صالح، اسکندر و رحمت^{۲۴} (۲۰۰۷) و تاری وردی و قادری (۱۳۹۶) و مغایر با نتایج تحقیق نصیرزاده، اورادی و رجبعلی زاده (۱۳۹۶) است.

نتایج تحقیق حاضر تأیید مجددی بر این امر است که بخشی از مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی از دانش ضمنی مدیرعامل نشأت می‌گیرد. به عبارت دیگر با افزایش دانش ضمنی مدیرعامل، اقدام به مدیریت سود تعهدی در جهت

منافع شخصی یا سازمانی افزایش می‌یابد. هرچند نقش ارگان‌های نظارتی از جمله کمیته حسابرسی در کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران انکارناپذیر است، اما در این تحقیق وجود استقلال و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر رابطه دانش ضمنی مدیرعامل و مدیریت سود تعهدی موثر نبود. با توجه به نتایج تحقیق به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌گردد نظارت بیشتری بر استقلال واقعی و سطح دانش تخصصی اعضای کمیته حسابرسی داشته و از طریق وضع قوانین و دستورالعمل‌های موردنظر، سبب بهبود این ویژگی‌ها گردد. علاوه بر مورد فوق، با توجه به معرفی موضوع دانش ضمنی و تأثیر آن بر مدیریت سود، در ادبیات حسابداری و مالی ایران، به طور مسلم نتایج حاصله بایستی توسط سایر پژوهشگران نیز بررسی و پیگیری شده و تکامل یابند.

دانش ضمنی مدیرعامل می‌تواند در پیشبرد اهداف شرکت‌ها تأثیر فراوانی داشته باشد و منجر به خلق ارزش گردد؛ اما وقتی که فرد صاحب این دانش، سازمان را ترک می‌کند، این نوع دانش برای آن سازمان از بین می‌رود. لذا پیشنهاد می‌شود از طریق مواردی مانند برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت برای سایر کارکنان و مدیران توسط مدیرعامل دارای دانش ضمنی، به فرایند بیرونی شدن و مستندسازی این دانش اقدام گردد.

همچنین می‌توان موارد زیر را به محققان جهت پژوهش‌های آتی پیشنهاد نمود:

- ارزیابی تأثیر دانش ضمنی، بر رفتار مدیریت سود واقعی در شرکت‌ها.
 - بررسی مفهوم دانش ضمنی در حوزه حسابرسی و تأثیر دانش ضمنی حسابرسان بر عملکرد آنها.
- از جمله محدودیت‌های این پژوهش عدم افشای تجربه تخصصی قبلی برخی از مدیران و برخی اطلاعات مربوط به کمیته‌های حسابرسی می‌باشد.

فهرست منابع

- * اشتریان، کیومرث؛ امامی میبیدی، راضیه (۱۳۸۹). دانش ضمنی و سیاست‌های انتقال تکنولوژی با تأکید بر فناوری اطلاعات و ارتباطات، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- * ایمنی، محسن، رهنمای رودپشتی، فریدون، بنی‌مهد، بهمن (۱۳۹۸). رابطه دستکاری فعالیت‌های واقعی و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی با استفاده از رویکرد سیستم معاملات بازگشتی، فصلنامه علمی و پژوهشی

- محقق می سازند، ترجمه علی عطارفر، جبار اسلامی، آناهیتا کاوه و سعید آنالویی، قم: انتشارات سما قم.
- * نیکخواه آزاد، علی (۱۳۷۹). بیانیه مفاهیم بنیادی حسابرسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سازمان حسابرسی، شماره ۱۲۱.
- * Abbott, L. J., & Parker, S. & Peters, G. (2004). Audit committee characteristics and restatements, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 19(2), 47-66
- * Bol, J. & Moers, F. & Peecher, M. (2012). Auditor Tacit Knowledge and Audit Firm Human Capital Development, Available in: <https://pdfs.semanticscholar.org>
- * Cohen, J. & Pant, L. & Sharp, D. (2001). An examination of differences in ethical decision-making Between Canadian business students and accounting professionals. *Journal of Business Ethics*, 30: pp. 319-336.
- * Davenport, T. H. & Prusak, L. (1998). Working knowledge: How organizations manage what they know. Harvard Business School Press, Boston. Available in: <http://repository.umpwr.ac>
- * Dechow, P. & Sloan, R., & Sweeney, A. (1995). Causes and consequences of earnings manipulation: an analysis of firms subject to enforcement actions by the SEC, *Contemporary Accounting Research* 13: 1-36.
- * Duellman, S. & Ahmed, A. (2013). An empirical analysis of the effects of monitoring intensity on the relation between equity incentives and earnings management. *Journal of Accounting and Public Policy*, 32(6), 495-517.
- * Hambrick, D. & Mason, P. (1984). Upper echelons: The Organization as a Reflection of Its Managers. *The Academy of Management Review* 9 (2), 193-206.
- * Jansen, I. P. & Ramnath, S. & Yohn, T. L. (2012). A Diagnostic for Earnings Management Using Changes in Asset Turnover and Profit Margin, *Contemporary Accounting Research*, 29 (1), 221-251.
- * Jiang, F. & Zhu, B. & Huang, J. (2013). CEO's Financial Experience and Earnings Management, *Journal of Multinational Financial Management*. 23, 134-145
- * Krátká, J. (2015). Tacit Knowledge in Stories of Expert Teachers, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 171, 837 - 846
- * McAdam, R. & Mason, B. & McCrory, J. (2007). Exploring the Dichotomies within the Tacit Knowledge Literature: Towards a Process of Tacit Knowing in Organizations, *Journal of Knowledge Management*, 11(2): 43-59
- * McGregor, P. K. & Dabelsteen, T. 1996. Communication networks. In: *Ecology and Evolution of Acoustic Communication in Birds*, ed. D. E. Kroodsma & E. H. Miller. Ithaca, NY: Cornell University Press, 409-425.
- * Mohajan, H.K. (2017). Tacit Knowledge for the Development of Organizations. *Journal of Advanced Research*, 6(1). pp: 17-24
- دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال هشتم، شماره ۲۹.
- * بنی مهد، بهمن؛ عربی، مهدی؛ حسن پور، شیوا (۱۳۹۵). پژوهش های تجربی و روش شناسی در حسابداری، چاپ اول، تهران: انتشارات ترمه.
- * بونر، سارا (۱۳۹۵). قضاوت و تصمیم گیری در حسابداری، ترجمه علی پارسائیان، چاپ اول، تهران: انتشارات اتحاد.
- * تاری وردی، یداله؛ قادری، صلاح الدین (۱۳۹۶). بررسی تاثیر نقش تخصص مالی کمیته حسابرسی بر نگرش کوتاه مدت مدیران. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۴(۵۴)، ۱۵۸-۱۳۵.
- * جلاوندی، شیرین (۱۳۹۷). تبیین مفهومی نقش دانش ضمنی در عصر اقتصاد دانش بنیان. *مجله اقتصادی*. شماره های ۱ و ۲. صص ۱۱۷-۱۴۳.
- * زمانی، زهرا (۱۳۹۰). تعیین وضعیت دانش ضمنی و تصریحی معلمان دوره راهنمایی از نظریه های یادگیری در فرایند تدریس و تاثیر عوامل جمعیت شناختی بر آن. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۱۱(۴۳)، ۱۶۲-۱۳۹
- * فتحیان، محمد؛ بیگ، لیلا؛ قوامی فر، عاطفه (۱۳۸۴). نقش مدیریت دانش ضمنی در خلاقیت و نوآوری. ماهنامه تدبیر، ۱۶(۱۶۴)، ۱۹-۱۲
- * قربانی زاده، وجه اله؛ خالقی نیا، شیرین (۱۳۸۸). نقش انتقال دانش ضمنی در توانمندسازی کارکنان. فصلنامه پژوهش های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، ۲(۱)، ۱۰۵-۸۵
- * مشبکی، اصغر؛ زارعی، عظیم (۱۳۸۲). مدیریت دانش با محوریت نوآوری. فصلنامه توسعه و مدیریت، ۴(۱۶)، ۵۴-۳۹
- * ملازاده، محمد؛ لاری دشت بیاض، محمود؛ ساعی، محمد جواد (۱۳۹۵). تاثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود. *مجله پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۸(۳۰)، ۳۷-۵۹
- * نامداریان، لیلا (۱۳۹۵). ارایه الگویی برای مستندسازی تجربیات سازمانی مدیران با رویکرد مدیریت دانش، اولین کنفرانس ملی مدیریت و اقتصاد جهانی، تهران، ۱۵-۱
- * نصیرزاده، فرزانه؛ اورادی، جواد؛ رجبعلی زاده، جواد (۱۳۹۶). بررسی تاثیر ویژگی های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی. *مجله مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۴(۲۴)، ۵۲-۳۹
- * نوناکا، ایکوجیرو؛ تاکوچی، هیرو تاکا (۱۳۸۵). شرکت های دانش آفرین: چگونه شرکت های دانش آفرین نوآوری را

یادداشت‌ها

¹ . Jansen, Ramnath, Yohn

² . Abbott, Parker, Peters

³ . Tacit Knowledge

⁴ . Polanyi

⁵ . McAdam, Mason, McCrory

⁶ . Explicit Knowledge

⁷ . Zhi-guo, Jian

⁸ . Nanoka

⁹ . Bonner

¹⁰ . Hambrick, Mason

¹¹ . Duellman, Ahmed

¹² . Zhang, Zhou, J. Zhou, N

¹³ . Rosman, Biggs, Hoskin

¹⁴ . Cohen, Pant, Sharp

¹⁵ . Bol, Moers, Peecher

¹⁶ . Yeung, Ulrich, Nason, Glinow

¹⁷ . McGregor, Dabelsteen

¹⁸ . Davenport, Prusak

¹⁹ . Sternberg, Hedlund

²⁰ . Nonaka, Takeuchi

²¹ . Dechow, Sloan, Sweeney

²² . Jiang, Zhu, Huang

²³ . Yoon, Miller

²⁴ . Saleh, Iskandar, Rahmat

- * Nonaka, I. (1994). A Dynamic Theory of Organizational Knowledge Creation. *Organization Science*, 5, No. 1: 14-37.
- * Polanyi, M. (1966). *The Tacit Dimension*. Chicago, University of Chicago Press, 41(155), 1-18.
- * Rosman, A, & Biggs, S.F. & Hoskin, R.E. (2012). The Effects of Tacit Knowledge on Earnings Management Behavior in the Presence and Absence of Monitoring at Different Levels of Firm Performance. *Behavioral Research in Accounting*. 24(1), 109-130
- * Saleh, E. & Iskandar, S & Rahmat, A. (2007). Audit committee characteristics and earnings management: evidence from Malaysia, *The Asian Review of Accounting*, 15 (2): 147-163.
- * Sánchez, J.A.Z. Arroyo, J.C. Moreno, Y.M. (2018). Acquisition and transfer of tacit knowledge of marketing in small and medium hotels. *Contaduría y Administración* 63 (2), 1-18
- * Sternberg, R. J. & Hedlund, J. (2002). Practical intelligence, g, and work psychology. *Human Performance* 15(1/2), 143-160.
- * Yeung, A. K. & Ulrich, D.O. & Nason, S.W. & Von Glinow M. (1999). *Organizational Learning Capability*. New York: Oxford University Press.
- * Yoon, S. & Miller, A. (2002). Cash from Operation and Earning Management in Korea, *The international journal of Accounting*, 37. 341-355.
- * Zhang, Y. & Zhou, J & Zhou, N. (2007). Audit committee quality, auditor independence, and internal control weaknesses, *Journal of Accounting and Public Policy*, 26, 300-327
- * Zhi-guo, L. & Jian, C. (2012). Improve Technological Innovation Capability of Enterprises through Tacit Knowledge Sharing, *International Workshop on Information and Electronics Engineering*, Procedia Engineering 29, 2072 -2076